



**معصومه مرادپور** از وقتی غرور جوانی همراه شد داشتن جاقو برایم یک قوت قلب بود؛ احساس بزرگی می کردم قدرت در مشتیم بود، اما نمی دانستم همه این داشتن ها گانگ است و مرا به پرتگاه مرگ خواهد کشاند.

این جمله های تکان دهنده پسر جوانی است که در سن ۱۸ سالگی دست به جنایت خونینی زده است.

همه چیز از یک عصر جمعه شروع شد کل کل دوستانم سربک مشت حرف پوچ در یکی از بوستان های کرج همه را به یک قرار ملاقات نحس کشاند.

قرار نبود کسی کشته شود و اصلاً کسی

## کابوس اعدام، میهمان هر شب این قاتل است

# ملاقات نحس

وقتی مأموران پلیس خودشان را به محل درگیری رساندند کسی جز سینا آنجا نبود. سینا غرق در خون روی زمین به خود می پیچید و چند دقیقه بعد تیم پزشکی به همراه آمبولانس او را به بیمارستان رساندند اما خونریزی سینا آنقدر شدید بود که تلاش های تیم پزشکی کارساز نبود و کمتر از دو ساعت در کام مرگ فرو رفت. با مرگ خونین سینا بازپرس کشیک قتل راهی بیمارستان شد و در نخستین گام دستور داد جنازه سینا به پزشکی قانونی منتقل شود سپس تیمی از کارآگاهان جنایی برای کشف این جنایت تحقیقات خود را از محل جنایت که یک بوستان در شمال کرج بود آغاز کردند.

با تحقیقات گسترده کارآگاهان دریافتند سینا به دنبال درگیری بین چند جوان قربانی شده است بنابراین همه افرادی که در این درگیری مشارکت داشتند طی تحقیقات میدانی و شاهدانی که در بوستان حضور داشتند شناسایی شدند و تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

کمتر از یک هفته پسران جوان دستگیر شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند. پس از چندین مرحله بازجویی هر یک از متهمان جنایت را به گردن دیگری می انداخت تا اینکه حامد لب به اعتراف گشود و پرده از جنایت هولناک خود برداشت.

حامد به به دنبال اعترافی که در مقابل افسر پرونده داشت به اتهام قتل عمد بازداشت شد همچنین سایر پسران جوان به خاطر شرکت در نزاع بازداشت شدند. پس از صدور کیفرخواست حامد به اتهام

قتل عمد به زندان رفت و در صف محاکمه قرار گرفت. طولی نکشید که پسر ۱۸ ساله پایش از زندان به شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز رسید و پشت میز محاکمه ایستاد.

چند دقیقه به شروع جلسه دادگاه مانده بود که زندانی جوان وارد شد صورتش از ترس روبرو شدن با پدر و مادر سینا زرد شده بود روی صندلی نشست و چند لحظه بعد مادر سینا با چشمانی پر از اشک حامد را سرزنش کرد... رئیس دادگاه با آغاز دادرسی صحبت های مادر مقتول را ناتمام گذاشت و از او خواست که با احترام به جلسه دادگاه سعی کند آرامش خود را حفظ کند.

مریم مادر سینا با بغضی آکنده از غم و اندوه سرش را به نشانه احترام پایین انداخت اما انگار این بغض او از هر فریادی، صدایش بلندتر و زجرآورتر بود. کمی بعد قاضی با خواندن متن کیفرخواست از پدر و مادر سینا خواست در جایگاه بایستند و تقاضای خود درباره مجازات عامل قتل فرزندشان را مطرح کنند.

پدر و مادر داغدار هیچ وقت فکرش را نمی کردند که سینا جمعه عصر وقتی از خانه بیرون می رود دیگر به خانه برآید یا دل پر از ماتم خواستار قصاص متهم و عامل مرگ فرزندشان شدند. آنگاه با دستور رئیس دادگاه متهم پشت میز محاکمه ایستاد.

متهم به جرمش اعتراف کرد و گفت: من قبول دارم که باعث مرگ هم محلی ام

شده ام اما آقای قاضی قسم می خورم که هرگز انگیزه ای برای کشتن او نداشتم و اصلاً قرار نبود من او را بکشم.

پسر جوان درحالی که صدایش می لرزید ادامه داد: ما و دوستانمان به خاطر یک کل کلی که از قبل باهم داشتیم در پارک جمع شدیم به دنبال ناسزایی که بیمنان مطرح شد کار به دعوا کشید که ناگهان من فقط به خاطر ترساندن مقتول جاقویی را که در جیب داشتم داروادم و بعد در حالی که با مقتول دست به یقه شده بودیم و او حاضر به پایان دعوا نبود ناگهان نمی دانم چه اتفاقی افتاد که من با جاقو ضربه ای به قفسه سینه او زدم و او روی زمین افتاد. من از روی ترس جاقو را روی زمین انداختم و یا به فرار گذاشتم.

با اعترافات متهم پشت میز محاکمه دادرسان دادگاه ختم جلسه را اعلام کردند و برای صدور حکم وارد شور شدند.

**گفت و گو با قاتل پشیمان**

**چند کلاس درس خوانده ای؟**  
پشت تکتوری بودم قرار بود...

**فکر می کردی یک روز به جای دانشگاه به خاطر جنایت به زندان بیفتی و پایت به دادگاه برسد؟**  
نه هرگز، من باید الان در دانشگاه درس می خواندم...

**همیشه جاقو در جیب بود؟**  
تقریباً بله.

### حوادث کوتاه

#### بازداشت ۵ جیب بر

#### پنجه طلا در دربی تهران

مأموران پلیس تهران در یک عملیات نامحسوس ۵ جیب بر حرفه ای را که در دربی تهران دست به سرقت زده بودند، دستگیر کردند. سرهنگ «محمد کوردزی» رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ در خصوص جزئیات این خبر گفت: اردیبهشت ماه سال جاری با توجه به برگزاری دربی، مأموران عملیات کلانتری ۱۴۱ شهرک گلستان به صورت نامحسوس در داخل استادیوم مستقر شدند و اقدام به اجرای طرح شناسایی سازقان کردند که در همین حین ۵ مرد جوان را که به صورت نمایی، اقدام به زاغ زنی و سرقت از شهروندان می کردند شناسایی کرده و تحت مراقبت های ویژه پلیسی قرار می دهند.

این مقام انتظامی به اقدامات پیش دستانه پلیس آمادگی هر چه تمام تر مأموران کلانتری اشاره کرد و گفت: با اجرای طرح مهار و اعلام مشخصات متهمان به سایر واحدهای مستقر، هر ۵ متهم در یک عملیات منسجم و پلیسی دستگیر شدند و در بررسی های بیشتر از متهمان یک قبضه سلاح سرد و ۲۷ دستگاه تلفن همراهی که متهمان قبل از دستگیری سرقت کرده بودند کشف شد. رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ ادامه داد: متهمان حدوداً ۳۰ ساله در تحقیقات اولیه به جرم خود و ۵ فقره سرقت مشابه با همکاری همدمگر معترف و اظهار داشتند پس از سرقت تلفن همراه اموال مسروقه را به فرد معینی فروخته اند. سرهنگ کوردزی در پایان با اشاره به سوابق یکی از متهمان در امر سرقت و تحمل حبس در زندان خاطرنشان کرد: متهمان برای کشف جزئیات بیشتر پرونده تحویل پایگاه دوم پلیس آگاهی شدند.

#### پایان ۳۰ سال زندگی

#### پنهانی قاتل فراری در

#### میناب

عامل یک جنایت خونین که پس از قتل به خارج کشور فرار کرده بود پس از ۳۰ سال وقتی تصمیم به بازگشت گرفت دستگیری شد. سال ۱۳۷۲ در روستای راونگ از توابع شهرستان میناب جنایت خونین رقم خورد و از همان زمان موضوع در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.

قاتل در همان روزهای ابتدایی وقوع قتل شناسایی شد اما با وجود تلاش پلیس برای دستگیری متهم، او توانست خودش را پنهان کند تا اینکه معلوم شد متهم از کشور به مقصد نامعلومی متواری شده است. تلاش برای دستگیری قاتل همچنان ادامه داشت تا اینکه ردی از متهم در کشور پاکستان پیدا و در نهایت با کار اطلاعاتی مشخص شد این فرد در روزهای اخیر و پس از حدود ۳۰ سال قصد دارد به صورت مخفیانه وارد کشور شود. کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان میناب با انجام اقدامات گسترده پلیسی مسیر تردد متهم را شناسایی و او را در یک عملیات منسجم و غافلگیرانه دستگیر کردند. متهم در مواجهه با مستندات پلیس به قتل با انگیزه شخصی اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شد.

#### گروگانگیری مسلح پسر جوان در زاهدان

پسر جوان که توسط مرد مسلح در زاهدان به گروگان گرفته شده بود در عملیات پلیسی در این شهر نجات پیدا کرد. سردار «دوستعلی جلیلیان» فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در تشریح این خبر اظهار داشت: در پی ربایش جوانی در یکی از محلات شهرستان زاهدان بلافاصله تیمی از کارآگاهان مجرب پلیس آگاهی استان وارد عمل شدند.

وی افزود: در تحقیقات میدانی از شاهدان عبئی، مشخص شد فردی مسلح با تهدید سلاح گرم، پسر جوان را با یک خودروی سواری ریزه و بسرعت از محل متواری شده است. فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان تصریح کرد: با توجه به حساسیت موضوع، به منظور حفظ جان این جوان، کارآگاهان پلیس آگاهی تلاش گسترده ای را برای رهایی او آغاز کردند و در نتیجه تحقیقات تخصصی خود هویت عاملان این اقدام را شناسایی و مشخص شد، متهمان به دلیل اختلافات مالی این جوان را گروگان گرفته اند. این مقام ارشد انتظامی بیان داشت: سرانجام با تلاش پلیس، مخفیگاه گروگانگیران یکی از خیابان های زاهدان شناسایی و روز شنبه متهم در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و جوان ریزه شده نیز از اسارت آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت.

## راز مرگ ۱۴ کرکس سفید



دولت بنگلادش از آن زمان دیکلوفناک و کتوپروفن، یکی دیگر از داروهای مسکن دام را که برای کرکس ها سمی شناخته می شود ممنوع اعلام کرد و در تلاش برای افزایش جمعیت آنها، مناطق امن برای کرکس ها را در سراسر کشور ایجاد کرده است.

مقالات طی تحقیق در مورد کشف ۱۴ کرکس مرده در منطقه تغذیه ای که قرار است برای پرندگان لاشخور ایمن دریافتند که آنها بر اثر خوردن طعمه مسموم باقی مانده برای سایر حیات وحش مرده اند.

تحقیقات اولیه توسط پارلمان جنگل های بنگلادش و IUCN، مرجع جهانی حفاظت از حیات وحش،

**آیدین رزاقی** بعد از تلف شدن ۱۴ کرکس سفید با ارزش حفاظت جهانی که در ۳ دهه اخیر از گرداب انقراض رها شده بود، IUCN سازمان جهانی حفاظت از حیات وحش به کمک دولت بنگلادش آمد تا دلیل تلف شدن این کرکس ها را پیدا کنند.

به گزارش «ایران» به نقل از سایت هندی مونگابای، کشف ۱۴ کرکس مرده در منطقه ای از بنگلادش که برای پرندگان لاشخور ایمن محسوب می شود و به رغم اقدامات مداوم برای محافظت از پرندگان، تهدیدهای مهمی را برای پرندگان بویژه پرندگان شکاری و دارای ارزش حفاظت بین المللی در این منطقه برجسته کرده است.

بعد از اعلام این خبر دولت بنگلادش با همکاری مأمورانی از سازمان جهانی حفاظت از حیات وحش اقدام به بررسی مسأله کردند و مشخص شد که کرکس ها پس از تغذیه از لاشه بزی پراز مواد سمی که ساکنان محلی آن را برای سنگ های وحشی و شغال ها گذاشته بودند، دچار مسمومیت و تلف شدند.

در دهه ۱۹۹۰ جمعیت کرکس های سفید در سراسر آسیای جنوبی با استفاده گسترده از مسکن گاو دیکلوفناک از بین رفتند. پرندگان که از گاوهای مرده تغذیه شده با این دارو تغذیه می کردند بر اثر مسمومیت شدید تلف می شدند.

## سایه فرشته در محاکمه قاتل دزد باغ گردو

#### قتل دزد گردو در باغ

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲ مهرماه سال ۱۴۰۰ به دنبال کشته شدن یک مرد ۴۲ ساله به نام وحید در باغی در آپسرد دماوند آغاز شد.

دوست وحید که شاهد جنایت بود با پلیس تماس گرفت و گفت وحید هنگام چیدن گردو از درخت، هدف شلیک گلوله قرار گرفته و در خون غلغیده است.

با این تماس، مأموران پلیس به باغ گردو رفتند و جسد وحید با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد. دوست وحید به مأموران گفت: من و وحید سال ها است با هم دوست هستیم.

چون می دانستیم این باغ گردوهای مرغوبی دارد با هم به باغ رفته بودیم تا گردو بچینیم که همان موقع سرایدار سر رسید و به رویمان تفنگ کشید.

او ایست داد و ما تسلیم شدیم و دست هایمان را بالا بردیم. وحید خیلی ترسیده بود و گفت بهتر است فرار کنیم.

او در حال دویدن بود که مرد سرایدار مستقیم به او شلیک کرد و وحید خونین روی زمین افتاد و قبل از رسیدن اورژانس جان سپرد.



سرایدار مسلح باغ گردو هنگام مواجهه با سارق جوان، دست به ماشه شد و با شلیک گلوله مرگ دزد گردوها را رقم زد.

#### بازداشت سرایدار باغ

به دنبال اظهارات این مرد، سرایدار ۵۰ ساله به نام سلیم بازداشت شد و به شلیک خونین اعتراف کرد. وی گفت: وقتی با دزد در باغ روبرو شدم برای حفاظت از اموال باغ به سمت آنها شلیک کردم، اما قصد قتل نداشتم.

وقتی پزشکی قانونی علت مرگ را اصابت گلوله ساچمه ای از فاصله نزدیک اعلام کرد و در گزارش نوشته شده بود که گلوله از پهلوئی چپ وارد شده و پس از شکافتن قلب از پهلوئی راست خارج شده است، برای سلیم کیفرخواست صادر و پرونده اش برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و مرد سرایدار از خود دفاع کرد.

#### در دادگاه

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند، سپس سلیم در جایگاه ویژه ایستاد و اشک پشیمانی ریخت. وی گفت: چند سال است در باغ گردو سرایدار هستم و برای مراقبت از خودم و باغ یک تفنگ شکاری در اختیار دارم. آن روز در خانه ویلایی باغ در حال استراحت بودم که صدای چند نفر را شنیدم و جسد زدم آنها دزد باشند. وقتی از پنجره به بیرون نگاه کردم متوجه شدم

قابل ردگیری، نشانه گذاری کرده بودند و در ۲۲ مارس امسال، آنها متوجه شدند که این پرنده موقعیت خود را از همان مکان مخا بره می کند. این اتفاق برای حدود ۱۵ روز ادامه یافت تا آنها یک تیم نجات را به محل اعزام کردند و در آنجا کرکس مرده را بین دو درخت آویزان دیدند.

با جست و جوی گسترده تر، دو کرکس مرده دیگر به دست آمد که آنها نیز از درختان آویزان بودند. و بعد از آن جسد تعداد دیگری کرکس پیدا شد که در مجموع ۱۴ عدد بودند. دولت بنگلادش بعد از این اتفاق تدابیر شدیدی برای حفاظت از کرکس ها و جرمه بومیان در صورت مسموم کردن لاشه های حیوانات در نظر گرفته است.

مشخص کرد که مردم محلی عمدتاً یک لاشه بز را مسموم کرده اند و آن را برای سگ های وحشی و شغال هایی که به دام های جامعه حمله می کنند، رها کرده اند.

کشف کرکس های مرده با کشف یک کرکس سفید آغاز شد که محققان IUCN را در اکتبر ۲۰۲۲ با یک برجسب ماهواره ای